

رابرت وانوی، پیامبران بزرگ، درس ۱۶

اشعیا، بنده خداوند ادامه موضوع

اشعیا ۴۹: ۱-۱۲. ۸.

بیباید به سراغ اشعیا ۴۹ برویم. اگر فهرستی از این متون مربوط به خدمتگزاری دارید، این شماره هشت است. این شامل آیات ۱ تا ۹ می‌شود، اما شاید بهتر باشد تا آیه ۱۲ ادامه یابد. در هر صورت، این یکی از متون اصلی در مورد خدمتگزار خداوند است. از اینجا با فصل ۴۹، موضوع خدمتگزاری بسیار برجسته‌تر می‌شود. آنچه تا اینجا دیده‌ایم یک متن اصلی در فصل ۴۲ است، اما جدا از آن، این موضوع در یک یا دو آیه اینجا و آنجا گنجانده شده است. اما از فصل ۴۹ به بعد، این موضوع بسیار بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد و به سمت اوج خود در فصل ۵۳ می‌رود.

ای « فکر می‌کنم کاملاً واضح است که بنده در فصل ۴۹، آیات ۱-۹ صحبت می‌کند. بیباید آن را بخوانیم جزایر، به من گوش دهید؛ ای ملت‌های دوردست، این را بشنوید: پیش از آنکه به دنیا بیایم، خداوند مرا فراخواند؛ از بدو تولدم، نام مرا ذکر کرده است. او دهان مرا مانند شمشیری تیز ساخت، مرا در سایه دست خود پنهان کرد؛ مرا به تیری صیقلی تبدیل کرد و در ترکش خود پنهان نمود. او به من گفت: «تو بنده من هستی، اسرائیل، که در تو جلال خود را نشان خواهم داد.» اما من گفتم: «من بیهوده زحمت کشیده‌ام؛ قدرت خود را بیهوده و بی‌فایده صرف کرده‌ام. با این حال، آنچه حق من است در دست خداوند است و پاداش من با خدای من است.» و اکنون خداوند می‌گوید - آن که مرا در رحم آفرید تا بنده‌اش باشم، تا یعقوب را نزد او بازگردانم و اسرائیل را نزد خود گرد آورم، زیرا من در نظر خداوند محترم هستم و خدای من قوت من بوده است - او می‌گوید: «این کار کوچکی است که تو بنده من باشی تا قبایل یعقوب را بازگردانم و کسانی از اسرائیل را که حفظ کرده‌ام، بازگردانم. من همچنین تو را نوری برای امت‌ها خواهم ساخت تا نجات مرا به اقصی نقاط زمین بیاوری.» این چیزی است که خداوند - نجات‌دهنده و مقدس اسرائیل - به کسی که مورد نفرت و انزجار ملت بود، به بنده حاکمان می‌گوید: پادشاهان تو را خواهند دید و برخیزند، بزرگان خواهند دید و تعظیم خواهند کرد، به خاطر خداوند که وفادار است، مقدس اسرائیل که تو را برگزیده است.» خداوند چنین می‌گوید: «در زمان لطف خود، تو را اجابت خواهم کرد و در روز نجات، تو را یاری خواهم داد. تو را حفظ خواهم کرد و تو را عهدی برای قوم خواهم ساخت تا زمین را احیا کنی و میراث‌های ویران شده‌اش را دوباره واگذار کنی، تا به اسیران بگویی: «بیرون بیباید.» و به کسانی که در تاریکی هستند: «آزاد باشید!» آنها در کنار جاده‌ها خواهند چرید و در هر تپه‌ی بایر چراگاه خواهند.» یافت

سخنان عمومی در مورد اشعیا ۴۹: ۱-۹

می‌خواهم چند نکته کلی بگویم، و سپس برمی‌گردیم و به طور خاص‌تر به آن نگاه می‌کنیم. اما در اینجا چند نکته کلی وجود دارد: فکر می‌کنم کاملاً واضح است که بنده در آیات ۱ تا ۹ صحبت می‌کند. شما در آیات ۳، ۷ و ۸ از اصطلاح «بنده» استفاده کرده‌اید. در آیه ۳ آمده است: «تو بنده من هستی، اسرائیل». «آیه ۵ می‌گوید ۶، ۵، این چیز کوچکی است که» آیه ۶ می‌گوید: «. و اکنون خداوند می‌گوید - آن که مرا در رحم آفرید تا بنده او باشم» بنابراین این آیات ۳، ۵، ۶ و سپس در آیه ۷ است: «به بنده حاکمان»، در وسط آیه ۷ «تو بنده من باشی»

در فصل ۴۹، آیات ۸ و ۹، برخی از عباراتی که در فصل‌های ۴۲، ۶ و ۷ استفاده شده‌اند، تکرار شده‌اند: تو را عهد قوم خواهم ساخت «این در ۴۹:۸ و همچنین در ۴۲:۶ آمده است. به ۴۹:۹ بروید» تا به اسیران «بگویم: بیرون بیایید، و به کسانی که در تاریکی هستند، آزاد شوید». «این مشابه ۴۲:۷ است» تا اسیران را از زندان آزاد کنم و کسانی را که در تاریکی نشسته‌اند از سیاه‌چال آزاد کنم «بنابراین چیزهای بسیار مشابهی در اینجا با آنچه در فصل ۴۲ می‌یابیم گفته شده است. اما وقتی در مورد هویت بنده می‌پرسید، این متن در آیه ۳ کاملاً واضح به نظر می‌رسد»: او به من گفت: «تو بنده من هستی، اسرائیل، که جلال خود را در تو نشان خواهم داد.» در اینجا به وضوح به نظر می‌رسد که گوینده بنده خدا به معنای اسرائیل است.

با این حال، وقتی به فصل ۴۹، آیات ۵ و ۶ می‌رسید، به نظر می‌رسد که گوینده از اسرائیل متمایز شده و اکنون خداوند می‌گوید - آن که مرا در رحم آفرید تا بنده او باشم تا یعقوب را نزد او بازگردانم و اسرائیل «است: من «در آنجا قطعاً» «. را نزد خود جمع کنم، زیرا من در نظر خداوند محترم هستم و خدای من قوت من بوده است می‌گوید: «این از اسرائیل متمایز است و بنده قرار است یعقوب را نزد او بیاورد. و وقتی به آیه ۶ می‌رسید»: او برای تو چیز کوچکی است که بنده من باشی تا قبایل یعقوب را بازگردانم و کسانی از اسرائیل را که حفظ کرده‌ام، بنده قرار است قبایل یعقوب را برخیزاند و نجات‌یافتگان اسرائیل را احیا کند. بنابراین بسیار واضح «! بازگردانم به نظر می‌رسد که بنده در آیات ۵ و ۶ از اسرائیل متمایز شده است. در واقع، شما در آن دو آیه سه جمله دارید که نشان می‌دهد بنده کسی است که قرار است اسرائیل را بازگردانند.

چگونه می‌توان بنده را هم به اسرائیل و هم از اسرائیل متمایز کرد؟

بنابراین این سوال مطرح می‌شود که چگونه می‌توانیم این واقعیت را توضیح دهیم که خادم هم «اسرائیل» نامیده می‌شود و هم از اسرائیل متمایز است؟ چگونه می‌توانید این را توضیح دهید؟ در آیه ۳، خادم «اسرائیل» نامیده می‌شود، اما در آیات ۵ و ۶ سه جمله وجود دارد که خادم را از اسرائیل متمایز می‌کند. این یک سوال دشوار است. اگر در مورد قسمت‌های قبلی تأمل کنید، به نظر می‌رسد که اسرائیل برای انجام کار خادم فراخوانده شده است. اسرائیل قرار است نوری برای غیریهودیان باشد؛ اسرائیل قرار است چشمان نابینایان را باز کند، زندانیان را از زندان بیرون آورد و غیره. با این حال، اسرائیل نمی‌تواند این کار را انجام دهد زیرا در همان زمان می‌خوانیم که اسرائیل ضعیف است؛ اسرائیل گناهکار است؛ اسرائیل در بند است و اسرائیل سرکش است. به همین

دلیل اسرائیل به اسارت فرستاده شده است. با این وجود، کار باید انجام شود و کار باید توسط اسرائیل انجام شود. بنابراین، به نظر می‌رسد، در تلاش برای یافتن راه‌حلی در اینجا، آنچه گفته می‌شود این است که کسی که قرار است اسرائیل را نجات دهد و در نهایت، نوری برای غریبه‌دیان و عهدی برای قوم خواهد بود و زندانیان را از تاریکی رهایی خواهد بخشید و غیره: آن شخص از اسرائیل است و همچنین نماینده اسرائیل است.

به نظر می‌رسد که عبارت شخصی که قبلاً در فصل ۴۹ نیز دیده‌اید، در اینجا نیز استفاده شده است، اما با پیشروی در فصل ۵۰، این عبارت بسیار واضح‌تر می‌شود. عبارات شخصی که در مورد بنده استفاده شده است، نشان می‌دهد که بنده فردی است که از اسرائیل بیرون می‌آید و نماینده اسرائیل خواهد بود، اما می‌تواند از بقیه اسرائیل متمایز باشد. این چیزی است که در فصل ۴۹ مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توانید در آیه ۵ تا « - بخوانید که «خداوند مرا در رحم شکل داد» - درست در همین جا است که به فردیت بخشیدن فکر می‌کنید بنده او باشم تا یعقوب را نزد خود بازگردانم و اسرائیل را نزد خود جمع کنم، زیرا من در نظر خداوند محترم هستم شروع به فکر کردن در مورد بنده‌ای کنید که از اسرائیل بیرون می‌آید، نماینده «و. خدای من قوت من بوده است اسرائیل است، اما از اسرائیل متمایز یا متمایز است».

اشعیا ۱: ۴۹ ارتباط بنده و مادرش

حالا، بیایید برگردیم و به عبارات خاص‌تری در این آیات نگاه کنیم. آیه اول جالب است: «ای سواحل، به من گوش دهید، و ای قوم از دور دست‌ها، گوش فرا دهید! خداوند مرا از رحم فراخواند؛ از بدن مادرم نام مرا ذکر تا حدودی تأسفبار است وقتی آن را به این صورت NIV کرد «حالا من از کینگ جیمز می‌خوانم. فکر می‌کنم ای جزایر، به من گوش دهید؛ ای ملت‌های دور دست، این را بشنوید: پیش از آنکه به دنیا بیایم، «تفسیر کرده‌اند حالا شما این را با «خداوند مرا از رحم فراخواند؛ از بدن». خداوند مرا فراخواند؛ از بدو تولدم نام مرا ذکر کرد مادرم نام مرا ذکر کرد «مقایسه می‌کنید. متن عبری در این مورد بسیار واضح است. به معنای واقعی کلمه در عبری: «خداوند مرا از رحم فراخواند، از بدن مادرم مرا نامید.» این نحوه خواندن عبری است. بنابراین شما در ارتباط با بنده به مادر اشاره می‌کنید. معمولاً در کتاب مقدس، از مردم به عنوان نسل پدر یاد می‌شد. شما آن نوع نسب پدرسالارانه را دارید. به ندرت پیش می‌آید که به مادر اشاره‌ای شود. اما فکر می‌کنم در اینجا یک رشته مهم وجود دارد که شروع به شکل‌گیری می‌کند. این رشته واقعاً به پیدایش ۳: ۱۵ برمی‌گردد. این نسل زن است که در نهایت مار را نابود خواهد کرد. در اشعیا ۷: ۱۴ آمده است: «بازگه باردار شده و پسری خواهد زاید.» در اینجا نیز حداقل همین ایده مطرح شده است: «خداوند مرا از رحم، از بدن مادرم فراخوانده است.» تمام ارجاعات به رحم و بیان می‌کند، حذف شده است. اما باز هم به فردیت بخشیدن به بنده اشاره دارد: «خداوند NIV مادر به شیوه‌ای که «مرا از رحم، از بدن مادرم فراخوانده است»

اشعیا ۲: ۴۹ اثر بخشی و محافظت بنده

آیه ۲ دو ایده را ارائه می‌دهد که در یک توازی مترادف تکرار می‌شوند. من فکر می‌کنم این دو ایده، اثر بخشی و محافظت هستند. شما می‌خوانید: «دهان مرا مانند شمشیر تیز ساخته است» و سپس در توازی: «و مرا مانند تیری صیقلی ساخته است». «می‌توانید آن آیه را به چهار عبارت تقسیم کنید». «دهان مرا مانند شمشیر تیز ساخته است» اولین مورد خواهد بود. دومی این است: «در سایه دست خود مرا پنهان کرده است» سومی که به موازات اولی برمی‌گردد: «و مرا مانند تیری صیقلی ساخته است». «سپس چهارمی که به موازات دومی است»: «در ترکش خود مرا پنهان کرده است». «بنابراین شما» «دهان مرا مانند شمشیر تیز ساخته است» و «مرا مانند تیری صیقلی ساخته است» را دارید. این به اثر بخشی اشاره دارد. «دهان او مانند شمشیر تیز است و او مانند تیری صیقلی است. این به پیشرفت موفقیت‌آمیز کار بنده اشاره دارد. فکر دیگر محافظت است»: «در سایه دست خود مرا پنهان کرده است» و «در ترکش خود مرا پنهان کرده است». «خداوند از بنده خود محافظت کرده است، حتی اگر تمام نیروهای شریک سعی کنند کار بنده را نابود کنند، اما موفق نخواهند شد زیرا خداوند از بنده خود محافظت خواهد کرد. بنابراین بنده مؤثر است و بنده محافظت می‌شود».

اشعیا ۳: ۴۹-۴ بنده اسرائیل فردی

او به من گفت: تو بنده من هستی، اسرائیل، که جلال «: سپس در فصل ۴۹، آیه ۳، آن هویت را دارید اما من گفتم: من «: این ما را به آیه ۴ می‌رساند که در مورد آن سؤال شده بود «: خود را در تو نشان خواهم داد بیهوده زحمت کشیده‌ام و نیروی خود را بیهوده و بی‌فایده صرف کرده‌ام. اما آنچه حق من است در دست خداوند «: است و پاداش من با خدای من است».

تفسیر آنجا دشوار است. برخی آیه را به اسرائیل اشاره می‌کنند، که با توجه به آیه ۳ تعجب‌آور نیست: «: بنده من هستی، اسرائیل». «بنابراین برخی آیه را به اسرائیل اشاره می‌کنند که در آیه ۴ در مورد ناتوانی‌اش در اما من گفتم، 'من بیهوده زحمت کشیده‌ام؛ نیروی خود را بیهوده «: انجام وظیفه محول شده به او اظهار نظر می‌کند «: و بی‌فایده صرف کرده‌ام».

اما من فکر می‌کنم مشکل این است که دلیل ناتوانی اسرائیل در انجام وظیفه خدمتگزار، در واقع نه به این دلیل که بیهوده زحمت کشیده‌اند، بلکه به این دلیل که گناه اوست. بنابراین فکر می‌کنم احتمالاً بهتر است آیه ۴ را به عنوان خدمتگزار به صورت فردی در نظر بگیریم، نه به عنوان جمعی - ملت. اما خدمتگزار به صورت فردی نشان می‌دهد که کار خودش به نظر شکست خورده می‌آید». پس گفتم «: خدمتگزار به صورت فردی، از طرف من نیروی خود «: کار او به نظر شکست خورده می‌آید «: من بیهوده زحمت کشیده‌ام» - خودش صحبت می‌کند «: را بیهوده و بی‌فایده صرف کرده‌ام. اما آنچه حق من است در دست خداوند است و پاداش من با خدای من است».

منظور این است که کار او ممکن است به نظر شکست خورده باشد، اما قضاوت او با خداوند است. دلیلی برای دلسردی وجود ندارد؛ او تیرئه خواهد شد. به نظر من این کلمات با سخنان مسیح، در نهایت سخنان خدمتگزار به صورت فردی، بسیار مطابقت دارند.

اشعیا ۴۹: ۵-۶ خدمتگزاری که به وضوح از اسرائیل متمایز است

و اکنون خداوند «: سپس در آیات ۵ و ۶ می‌بینید که این بنده به وضوح از اسرائیل متمایز شده است می‌گوید - آن که مرا در رحم آفرید تا بنده‌اش باشم، تا یعقوب را نزد او بازگردانم و اسرائیل را نزد خود گرد آورم، زیرا من در نظر خداوند محترم هستم و خدای من قوت من بوده است - او می‌گوید: این برای تو چیز کوچکی است که بنده من باشی تا قبایل یعقوب را احیا کنی و کسانی از اسرائیل را که من حفظ کرده‌ام، باز آوری. من «: همچنین تو را نوری برای امت‌ها خواهم ساخت

در آیه ۵، بنده قرار است یعقوب را دوباره به سوی خداوند بیاورد، و مطمئناً بنده در آنجا از اسرائیل متمایز است. اما آیه ۶ این را یک گام فراتر می‌برد. در حالی که کار بنده در بازگرداندن قبایل یعقوب مهم است، برای تو چیز کوچکی است «: اما در مقایسه با وظیفه بزرگتر نوری برای غیریهودیان بودن، تقریباً بی‌اهمیت است که بنده من باشی تا قبایل یعقوب را بازگردانی و اسرائیلیانی را که حفظ کرده‌ام، بازگردانم. من همچنین تو را بنده کسی «: نجات مرا به اقصی نقاط زمین نرسانی برای ملت‌ها - «تا - «نوری برای غیریهودیان خواهم ساخت است که وسیله‌ای برای گسترش نجات خدا و انجیل به اقصی نقاط زمین خواهد بود. این یک دستاورد قابل توجه است که از طریق کار بنده حاصل خواهد شد.

اشعیا ۴۹: ۷ تحقیر و سرافرازی بنده

این چیزی «: آیه ۷ از باب ۴۹ کتاب اشعیا، درباره تحقیر بنده در تضاد با تعالی بعدی او صحبت می‌کند است که خداوند می‌گوید - نجات‌دهنده و مقدس اسرائیل - به کسی که مورد تحقیر و نفرت ملت بود، به بنده حاکمان پادشاهان تو را خواهند دید و برخیزند، بزرگان «: تحقیر وجود دارد. اما این در بخش پایانی آیه در تضاد است «: خواهند دید و تعظیم خواهند کرد، به خاطر خداوند که وفادار است، قدوس اسرائیل که تو را برگزیده است «: اسرائیل توضیح دهند. آنها ایده جمعی بنده، اسرائیل در اکنون برخی سعی می‌کنند آن آیه را به عنوان اشاره به تبعید، تحقیر شده، مورد تحقیر قرار گرفته، اما بعداً احیا شده را می‌بینند.

من فکر نمی‌کنم که این واقعاً حق مطلب را اشعیا ۴۹: ۸-۹ چیزهایی فراتر از ظرفیت اسرائیل برای تحقق

در مورد عبارات آیه ادا کند، و به ویژه نه در مورد چیزهایی که در آیات ۸ و ۹ گفته شده است، دو آیه بعدی که خداوند چنین می‌گوید: در زمان لطف «: فراتر از ظرفیت اسرائیل برای تحقق هستند. در آیات ۸ و ۹ آمده است

خود تو را اجابت خواهم کرد و در روز نجات تو را یاری خواهم داد. تو را حفظ خواهم کرد و تو را عهدی برای قوم خواهم ساخت تا زمین را احیا کنی و میراث ویران شده‌اش را به دیگران واگذار کنی، تا به اسیران بگویی: بیرون بیایید «و به کسانی که در تاریکی هستند»: آزاد شوید «! آنها در کنار جاده‌ها خواهند چرید و در هر تپه» وقتی به آیات ۸ و ۹ می‌رسیم، به نظر می‌رسد که او درباره چیزهایی صحبت می‌کند. «بایر چراگاه خواهند یافت که فراتر از توانایی اسرائیل برای انجام آنهاست. همان مشکلی که در فصل ۴۲ داشتیم: اسرائیل چگونه می‌تواند این کارها را انجام دهد در حالی که گناهکار است؟ درست است که اسرائیل تحقیر شده است، همانطور که در آیه الف می‌خوانید: «به کسی که انسان او را تحقیر می‌کند». اسرائیل تحقیر شده است، اما این به دلیل گناه او بود، و ۷ آن نوع تحقیر هرگز نمی‌توانست به دستاوردهای آیات ۸ و ۹ منجر شود. حال، وقتی به پایان فصل ۵۲ و سپس به فصل ۵۳ می‌رسید، کل این مضمون بسیار واضح‌تر بسط می‌یابد.

اشعیا ۴۹: ۱۰-۱۱ برکت برای کسانی که از بنده پیروی می‌کنند

آنها نه گرسنه خواهند شد و نه تشنه، و نه گرمای بیابان و نه آفتاب بر آنها «: فصل ۴۹، آیه ۱۰، می‌گوید نخواهد تابید. کسی که بر آنها شفقت دارد، آنها را هدایت خواهد کرد و در کنار چشمه‌های آب رهبری خواهد نمود به نظر من در آیه ۱۰، توصیفی از برکاتی که نصیب کسانی می‌شود که از بنده پیروی می‌کنند، در حالی که او «. آنها را در کنار چشمه‌های آب هدایت می‌کند، وجود دارد. این توصیف، برکاتی است که نصیب کسانی می‌شود که من تمام کوه‌هایم را به جاده‌ها تبدیل خواهم کرد و بزرگراه‌هایم «: از بنده پیروی می‌کنند. آیه ۱۱ ادامه می‌دهد به یاد دارید که این مشابه اوایل فصل ۴۰ است، زمانی که «هر دره‌ای برافراشته خواهد «. برافراشته خواهد شد «. شد و هر کوه و تپه‌ای پست خواهد شد

اشعیا ۴۹: ۱۲ بازگشت جهانی

سپس فصل ۴۹، آیه ۱۲ «: اینک، اینها از دور دست‌ها خواهند آمد - و اینک، کسانی از شمال و از غرب، و کسانی از سرزمین سینیم «. شما اشاره‌ای به وسعت قابل توجه کار بنده دارید. وقتی مردم از شمال، غرب و حتی آن را «از منطقه آسوان «ترجمه می‌کند، اما یک یادداشت متنی وجود NIV. از این سرزمین سینیم خواهند آمد دارد». طومارهای دریای مرده، آسوان؛ متن ماسورتیک، سینیم «. به استنادات خود نگاه کنید. فکر می‌کنم آنجا، صفحه ۳۴، یادداشتی دارم. این از ای. جی. یانگ، صفحه ۲۹۴ گرفته شده است». برخی کوشیده‌اند این کلمه را با سینیت‌های پیدایش ۱۰: ۱۷، اول تواریخ ۱: ۱۵ یکی بدانند. جروم (به بیابان گناه متوسل شده است. جی. اچ. و به معنای اشاره به سین یا پلئوسیوم) آسوان (در جنوب *s^e wenim* میکائلیس) ۱۷۷۵ (پیشنهاد اصلاح متن به که همان طومار قمران است - پشتیبانی می‌شود که - «Q مصر را داد. به نظر می‌رسد این پیشنهاد توسط 1 خوانده می‌شود *s^e-wa-niy-yim* را می‌دهد، که احتمالاً *swnyym* صامت‌های

با این حال، چرا این منطقه با نام یکی از شهرهایش مشخص شده است و در واقع، یک شهر به خصوص شناخته شده نیست؟ مهمتر از همه، این هیچ تضاد مناسبی با شمال و دریا [غربی قبلی ندارد. این مکانی بسیار نزدیک است. بنابراین، کاملاً محتمل است که اشاره به منطقه‌ای در شرق باشد، آنقدر دور که معادل یک چهارم ممکن است از این نظر طرفداری کند. با این حال، *tsin* زمین است. چین ممکن است آن مرجع باشد. کلمه عربی نمی‌توان جزم‌اندیش بود. آنچه مهم است این است که یک منطقه دور، یک چهارم زمین، در نظر گرفته شده است، زیرا بازگشت به خدا در مسیح جهانی خواهد بود.

به عبارت دیگر، یانگ می‌گوید که مفهوم ضمنی این آیه، گستره‌ای جهانی از کسانی است که پیروان بنده خواهند بود: «اینان از دور دست‌ها خواهند آمد - اینان از شمال و از غرب، و اینان از سرزمین سینیم». اما اینکه دقیقاً چه چیزی معرف آن است، مورد اختلاف و ابهام است. وقتی از روابط «چین و شوروی» صحبت می‌کنید، ریشه‌ای وجود دارد که به چین اطلاق می‌شود.

خلاصه

ای آسمان‌ها، فریاد شادی سر دهید؛ ای زمین، شادی کنید؛ ای کوه‌ها، سرود شادی «: آیه آخر این است این نصیحت به «: سر دهید! زیرا خداوند قوم خود را تسلی می‌دهد و بر ستم‌دیدگان خود شفقت خواهد ورزید آسمان‌ها و زمین است که به خاطر نجاتی که خداوند از طریق کار بنده‌اش برای قوم خود به ارمغان می‌آورد، از شادی لبریز شوند.

بسیار خوب، این یک متن اصلی است. در اشعیا ۱: ۴۹-۱۲ اشعیا ۴: ۵۰-۱۱ نور برای غیریهودیان موضوع ۳. مطالب زیادی در مورد بنده وجود دارد. به نظر می‌رسد که ابهامی در این متون وجود دارد و به سمت فردیت‌بخشی حرکت می‌کند. در اینجا آن فردیت‌بخشی کامل نیست. حالا به ۸: ۴۱ برگردید: «ای اسرائیل، تو بنده من هستی.» سپس به ۱۰: ۴۳ بروید: «شما شاهدان من هستید، بندگان من.» در آنجا به صورت جمع به اسرائیل اشاره دارد. به نظر می‌رسد در ۱: ۴۹ از قبل به سمت فردیت‌بخشی حرکت می‌کند.

اظهارات کلی در مورد اشعیا ۵۰: ۴-۹ رنج‌های فردی خدمتکار

متن بعدی، شماره ۹ در طرح کلی اشعیا ۵۰: ۴-۱۱ است. این سومین متن اصلی مربوط به خدمتگزاری است. اولین متن، اشعیا ۴۲: ۱-۷ و دومین متن، ۴۹: ۱-۹ بود. اشعیا ۵۰: ۴-۱۱ سومین متن اصلی است. در جاهای مختلف، به ویژه ۴۲: ۶ و ۷ و ۴۹: ۶، عباراتی خوانده‌ایم که می‌گویند خدمتگزار باید نوری برای غیریهودیان باشد. در ۴۲: ۶ و ۷، ۴۹: ۶: نوری برای غیریهودیان خواهد بود. او باید مردم را از اسارت رهایی بخشد و کسانی را که در بند هستند آزاد کند. بنابراین به ما گفته شده است که خدمتگزار باید این کار را انجام دهد.

اما تا این لحظه واقعاً به ما گفته نشده است که او چگونه قرار است این کار را انجام دهد. توضیح چگونگی شروع این کار از اینجا شروع می‌شود. این متن در مورد روشی است که او قرار است این کارها را انجام دهد.

راه یا وسیله، واقعاً آن چیزی نیست که انتظار دارید. این یک چرخش غافلگیرکننده است. ابتدا، بیایید خداوند « فصل ۵۰، آیات ۴ تا ۹ را بخوانیم، سپس چند نکته کلی و سپس نکات خاص‌تری را بیان خواهیم کرد متعال به من زبانی آموخته داده است تا کلامی را که خستگان را تسکین می‌دهد، بدانم. او هر صبح مرا بیدار می‌کند، گوش مرا بیدار می‌کند تا مانند کسی که تعلیم می‌بیند، بشنوم. خداوند متعال گوش‌های مرا باز کرده است و من سرکش نبوده‌ام؛ من عقب‌نشینی نکرده‌ام. پشتم را به کسانی که مرا می‌زدند، و گونه‌هایم را به کسانی که ریشم را می‌کشیدند، تقدیم کردم. رویم را از تمسخر و تف انداختن پنهان نکردم. چون خداوند متعال به من کمک می‌کند، رسوا نخواهم شد. از این رو رویم را مانند سنگ خارا ساخته‌ام و می‌دانم که شرمنده نخواهم شد. آنکه مرا تبرئه می‌کند نزدیک است. پس چه کسی مرا متهم خواهد کرد؟ بیایید با هم روبرو شویم! مدعی من کیست؟ بگذارید او با من روبرو شود! خداوند متعال است که به من کمک می‌کند. کیست که مرا محکوم کند؟ همه آنها مانند لباس فرسوده خواهند شد. پروانه‌ها آنها را خواهند خورد. کدام یک از شما از خداوند می‌ترسد و از کلام بنده‌اش اطاعت می‌کند؟ بگذارید کسی که در تاریکی راه می‌رود و نوری ندارد، به او اعتماد کند «به نام خداوند و بر خدای او توکل کنید. اما اکنون، ای همه شما که آتش می‌افروزید و مشعل‌های فروزان برای خود فراهم می‌کنید، بروید و در نور آتش‌هایتان و مشعل‌هایی که افروخته‌اید، گام بردارید. این چیزی است که از دست من دریافت خواهید کرد: در عذاب خواهید خوابید.

حال، در اینجا چند نکته کلی وجود دارد. فکر می‌کنم شما جمله‌ای از بنده دارید که رنجی را که قرار است متحمل شود توصیف می‌کند، و سپس توجیه بزرگی را که با آن به دست خواهد آورد. حال، همانطور که بخشی را که این رنج‌ها را توصیف می‌کند می‌خوانیم، که ایده جدیدی است، این موضوعی است که تا به حال به سختی توسعه یافته است. دوباره سوال این است: آیا این توسط بنده به عنوان یک فرد گفته می‌شود، یا می‌توان آن را به عنوان توصیفی از رنج‌هایی که اسرائیل به عنوان یک ملت در تبعید متحمل می‌شود، در نظر گرفت. در فصل آن تحقیر بنده در بخش اول آیه ۷، آیا آن اسرائیل است، یا آن بنده به صورت فردی؟ فکر می‌کنم با فصل ۵۰، ۴۹ پاسخ روشنی به این سوال پیدا می‌کنید: آیا این ملت است یا یک فرد؟

خداوند متعال گوش‌های مرا باز کرده است و من سرکش « شما در آیه ۵ پاسخ روشنی پیدا می‌کنید این همان صحبت بنده است. بنابراین گوینده می‌گوید: من سرکش نبوده‌ام، از انجام «. نبوده‌ام و عقب‌نشینی نکرده‌ام «: اراده خدا رویگردان نشده‌ام. سپس وقتی به آیه ۶ می‌روید، می‌خوانید که او داوطلبانه متحمل رنج شده است پشت خود را به کسانی که مرا می‌زدند، و گونه‌هایم را به کسانی که ریشم را می‌کشیدند، تقدیم کردم؛ روی خود را حال، این اظهارات در فصل ۵۰، آیات ۵ و ۶، کاملاً با تصویر اسرائیل «. از تمسخر و تف انداختن پنهان نکردم که در فصل‌های قبلی این بخش از اشعیا وجود دارد، متناقض است، جایی که اسرائیل به عنوان بنده‌ای ناشنوا،

نابینا و سرکش نشان داده شده است. اگر این اسرائیل است که صحبت می‌کند، چگونه اسرائیل می‌تواند بگوید: «من سرکش نیستم؟»

کیست کور مانند بنده « به اشعیا ۴۲: ۱۹-۲۴ برگردید: اسرائیل به خاطر گنااهش به اسارت فرستاده شد من، و کر مانند رسولی که من می‌فرستم؟ کیست کور مانند کسی که به من سپرده شده است، و کور مانند بنده « خداوند؟ که یعقوب را به تاراج و اسرائیل را به غارتگران تسلیم کرد؟ آیا خداوند نبود که ما به او گناه کرده‌ایم؟ تو گوسفندانی برای قربانی‌های سوختنی برای من نیاورده‌ای، و مرا با « در فصل ۴۳، آیات ۲۳ و ۲۴ قربانی‌های خود گرامی نداشته‌ای. من تو را با هدایای غله سنگین نکرده‌ام، و تو را با درخواست بخور خسته نکرده‌ام. تو هیچ گلم خوشبو برای من نخریده‌ای، و چربی قربانی‌هایت را به من نبخشیده‌ای. بلکه تو مرا با تو نه شنیده‌ای و نه فهمیده‌ای؛ از قدیم « در ۴۸: ۸: « گناهانت سنگین کرده‌ای و مرا با گناهانت خسته کرده‌ای «. گوش تو باز نبوده است. خوب می‌دانم که چقدر خیانتکار هستی؛ تو از بدو تولد یاغی نامیده می‌شدی

بنابراین با توجه به آن زمینه نسبتاً نزدیک به اسرائیل، پس گفتن اینکه «من سرکش نیستم، به عقب برنگشتم، یا از وظیفه‌ای که پیش روی من قرار گرفته بود، روی نگرداندم»، با آنچه در این متون دیگر گفته شده است، ناسازگار خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد واضح است که گوینده در اشعیا ۵۰، اسرائیل به معنای ملت نیست، بلکه بنده خداوند - به صورت فردی - است که جای اسرائیل را می‌گیرد و این رنج را به جای آنها متحمل می‌شود.

بنابراین اینها نظرات کلی هستند. بیایید اکنون به عقب برگردیم و به جزئیات نگاه کنیم. در فصل ۵۰، آیه این متن با « خداوند متعال به من زبانی آموخته داده است تا کلامی را که خستگان را تقویت می‌کند، بدانم «: ۴ عبارت در باره کار تعلیم بنده خدا آغاز می‌شود. خداوند به او «زبان دانایان» داده است. مطمئناً این ما را به یاد گفته‌های روایت‌های انجیل می‌اندازد، به عنوان مثال، یوحنا ۷: ۴۶: «هرگز انسانی مانند این مرد سخن نگفته خداوند متعال به من زبانی آموخته داده است تا کلامی را « است. «!وقتی عیسی تعلیم می‌داد، با اقتدار تعلیم می‌داد «. که خستگان را تقویت می‌کند، بدانم

او با کسانی که خسته بودند صحبت کرد. به متی ۱۱: ۲۸ نگاه کنید: «ای همه خسته‌شدگان و گرانباران، نزد من آید، من به شما آرامش خواهم داد.» در اشعیا ۴۰: ۵ «ب می‌خوانیم»: او هر صبح بیدار می‌شود، گوش مرا بیدار می‌کند تا مانند دانشمندان بشنوم.» این نشان دهنده رابطه نزدیک بنده با پدرش است. عیسی در یوحنا ۵: ۳۰ گفت که او نه از خودش، بلکه از آنچه پدر به او داده بود، سخن گفت. بنابراین در اینجا خدا هر صبح او را بیدار می‌کند و گوش او را بیدار می‌کند تا پیام خدا را بشنود.

خداوند متعال گوش‌های مرا «: سپس در فصل ۵۰ آیه ۵، قبلاً اشاره کردم که اشعیا ۵۰: ۵ بنده سرکش نیست

فکر نمی‌کنم کسی جز خود مسیح واقعاً بتواند این «. باز کرده است و من سرکش نبوده‌ام؛ من عقب‌نشینی نکرده‌ام جمله را بگوید: من سرکش نبودم. هر کس دیگری در مقطعی از خدا شکست خورده است. با این حال، این شخص به کاری که خدا او را به آن فرا می‌خواند، وفادار بود و می‌توانست حقیقتاً بگوید: من سرکش نبودم.

اشعیا ۶: ۵۰ رنج داوطلبانه

پشتم را به کسانی که مرا می‌زدند، و گونه‌هایم را به کسانی که ریشم را «: سپس فصل ۵۰، آیه ۶ این به رنج داوطلبانه مسیح اشاره دارد. مطمئناً «. می‌کشیدند، دادم؛ رویم را از تمسخر و تف انداختن پنهان نکردم این نیز با رنج غیر ارادی که اسرائیل هنگام تبعید متحمل شد، در تضاد است. اسرائیل با شادی زیادی به تبعید نرفت. او مجبور به تبعید شد. با این حال، این یکی پشتش را به شلاق‌زندگان می‌دهد، همانطور که اشعیا ۵۳ می‌گوید: «او مانند بره به کشتارگاه رفت و مانند گوسفندی که در برابر پشم‌چینانش بی‌زبان است، دهانش را باز نکرد.» او چهره‌اش را از شرم و تف کردن پنهان نکرد، بلکه با میل خود خود را تقدیم کرد.

خب، می‌بینم که وقتم تمام شده است. بیایید به فصل اشعیا ۷: ۵۰ رویش را مانند سنگ خارا قرار داد - بدون شرم چون خداوند متعال مرا یاری می‌کند، رسوا «: آیه ۷ نگاه کنیم و سپس متوقف می‌شوم. در آن آمده است ۵۰ خدمتکار اعلام «. نخواهم شد. از این رو روی خود را مانند سنگ خارا ساختم و می‌دانم که رسوا نخواهم شد می‌کند که با کمک خدا، روی خود را برای انجام کاری که خدا به او سپرده بود، آماده کرده است. جالب اینجاست که لوقا ۹: ۵۳ در مورد عیسی می‌گوید که او روی خود را برای رفتن به اورشلیم آماده کرده است. بنابراین، با چون «. دانستن اینکه چه اتفاقی برایش خواهد افتاد، از روبرو شدن با وظیفه‌اش و انجام آن عقب‌نشینی نکرد خداوند متعال مرا یاری می‌کند، رسوا نخواهم شد. از این رو روی خود را مانند سنگ خارا ساختم و می‌دانم که «. رسوا نخواهم شد

بیایید همینجا توقف کنیم و در ابتدای ساعت بعد به آیات ۸ تا ۱۱ نگاهی بیندازیم و سپس به فصل‌های ۵۲ و ۵۳ کتاب اشعیا بپردازیم.

رونویسی توسط مایا بم
ویرایش اولیه توسط کارلی گیمین
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس